



کانون اندیشه جوان

تاریخ ایران اسلامی

دفتر دوم

از طلوع طاهریان تا غروب خوارزمشاهیان

رسول جعفریان

فهرست مطالب

۵	فهرست مطالب
۱۱	پیش‌گفتار مؤلف
۱۳	درآمد بحث: ایران به سوی استقلال

روزگار طاهریان

۱۷	طاهر پیش از طاهریان
۱۸	طاهر در خراسان
۲۰	طاهریان پس از طاهر
۲۳	طاهر دوم و فرزندش محمد
۲۵	طاهریان بغداد
۲۸	طاهریان و ایران
۲۹	طاهریان و فرهنگ
۳۰	تمایلات مذهبی طاهریان
۳۲	طاهریان و رشد اقتصادی خراسان
۳۳	اوضاع سایر ایالات ایران در دوره طاهریان

روزگار صفاریان

۳۹	گروه‌های معارض در سیستان
۴۰	یعقوب روی‌گر
۴۱	آشوب‌های سیستان و برآمدن یعقوب
۴۲	دولت صفاری
۴۵	یعقوب امیر مطلق سیستان و کرمان
۴۷	برانداختن طاهریان
۴۸	یعقوب و خلافت عباسی
۵۰	عمرو بن لیث و امیران صفاری
۵۳	زوال صفاریان

- دولت دلفیان در منطقه جبال ۵۷
- صاحب الزنج در بصره و خوزستان ۵۸
- زبان و ادبیات فارسی در دوره صفاری ۶۰
- گرایش مذهبی صفاریان ۶۲

روزگار سامانیان

- خاندان سامانی ۶۷
- اسماعیل سامانی بنیادگذار سلسله ۶۸
- جانشینان اسماعیل ۶۹
- نفوذ اسماعیلیان در خراسان ۷۰
- دیگر امیران سامانی ۷۳
- تسلط اسلام بر ماوراءالنهر ۷۵
- وضعیت علمی و مذهبی بخارا ۸۰
- موقعیت علمی و مذهبی نیشابور ۸۳
- عالمان شیعه در خراسان ۸۴
- نظام اداری سامانیان ۸۶
- ارتباط خلیفه و سلطان ۸۷
- وزارت در دوره سامانی ۸۸
- زبان فارسی در دوره سامانیان ۸۹

روزگار علویان طبرستان

- سادات در ایران ۹۷
- طبرستان در آستانه تشکیل دولت علوی ۹۸
- حسن بن زید بنیادگذار دولت علوی ۹۹
- عملکرد حسن بن زید ۱۰۱
- محمد بن زید داعی کوچک ۱۰۲
- دولت ناصر کبیر ۱۰۳
- جانشینان ناصر کبیر و زوال دولت علویان ۱۰۴
- وضعیت مذهبی طبرستان در دوره علویان ۱۰۷

روزگار زیاریان

- به قدرت رسیدن آل زیار ۱۱۱
- مرداویج بنیادگذار سلسله زیاری ۱۱۲
- مرداویج در ترازو ۱۱۴
- وُشمگیر ۱۱۵
- امیران زیاری ۱۱۶

روزگار بویهیان

۱۲۱	حضور دیلمیان در صحنه سیاست ایران و عراق
۱۲۳	خاندان بویه
۱۲۵	نخستین پیروزی‌های فرزندان بویه
۱۲۷	در راه فتح بغداد
۱۳۰	آل بویه در بغداد
۱۳۱	سه شاخه دولت بویی
۱۳۱	مرگ عمادالدوله و پیامدهای آن
۱۳۳	دولت بویی بغداد
۱۳۳	عضدالدوله در بغداد
۱۳۶	دولت بویی بغداد و فارس پس از عضدالدوله
۱۳۷	آخرین امیران بویی بغداد
۱۴۱	دولت بویی ری
۱۴۲	دولت بویی ری پس از رکن‌الدوله
۱۴۷	زوال دولت بویی
۱۴۹	آذربایجان در قرن چهارم هجری

روزگار درخشان تمدن اسلامی

۱۵۳	● برآمدن آفتاب تمدن اسلامی
۱۵۳	تمدن دینی بر محور دعوت انبیا
۱۵۴	تمدن دینی
۱۵۵	اصول این جهانی تمدن در دعوت انبیا
۱۵۸	آفت‌های تمدن دینی
۱۵۹	● دانش و فرهنگ در قرن چهارم
۱۶۱	کتاب و کتابخانه در دوره بویی
۱۶۳	قرآن و علوم آن
۱۶۴	علوم حدیث
۱۶۷	دانش فلسفه و کلام
۱۷۱	دانش نجوم
۱۷۵	دانش پزشکی
۱۷۹	● دانش تاریخ و جغرافی
۱۷۹	دانش تاریخ
۱۸۳	دانش جغرافی
۱۸۵	وصف شهرهای ایران در قرن چهارم
۱۹۱	● فعالیت‌های دینی و مذهبی در دوره آل بویه

۱۹۱	روند اسلام‌گرایی در ایران تا قرن چهارم هجری
۱۹۳	شیعیان در قرن چهارم و پنجم
۱۹۴	گسترش تشیع در دوره آل‌بویه
۱۹۵	مکتب قم و مکتب بغداد
۱۹۷	تشیع آل‌بویه
۱۹۹	دولت فاطمی در مغرب و مصر
۲۰۳	● فعالیت دیگر فرقه‌های مذهبی در قرن چهارم
۲۰۳	حنابله و اهل حدیث
۲۰۵	معتزله
۲۰۶	اسماعیلیه و قرامطه
۲۰۸	صوفیان

روزگار غزنویان

۲۱۵	غزنویان در غزنه
۲۱۷	غزنویان در خراسان
۲۱۹	سلطان محمود غزنوی
۲۲۰	روابط محمود با قادر عباسی
۲۲۱	فتوحات سلطان محمود غزنوی
۲۲۶	غزنویان پس از محمود
۲۲۸	باورهای مذهبی سلطان غزنوی
۲۳۱	حنفیان، شافعیان و کرامیان در خراسان
۲۳۴	صوفیان در دوره غزنوی
۲۳۷	آبادی غزنه در دوره غزنویان
۲۳۹	● شعر و ادب در دوره غزنوی
۲۴۰	فردوسی شاعر بلند پایه زبان فارسی
۲۴۰	منابع شاهنامه
۲۴۲	فردوسی و سرودن شاهنامه
۲۴۳	فردوسی و سلطان محمود غزنوی
۲۴۴	عقیده مذهبی فردوسی
۲۴۷	دیگر شاعران روزگار غزنوی
۲۴۹	ادبیات متشور دوره غزنوی
۲۵۲	بیهقی تاریخ‌نگار ادیب دوره غزنوی

روزگار سلجوقیان

۲۵۷	در آغاز راه.....
۲۶۰	طغرل، تلاش برای تأسیس امپراطوری.....
۲۶۲	طغرل در بغداد.....
۲۶۶	فرمانروایی آلپ ارسلان.....
۲۷۰	فرمانروایی ملکشاه سلجوقی.....
۲۷۲	وزارت نظام الملك.....
۲۷۴	نظام الملك و نظامیه‌ها.....
۲۷۷	نظام الملك و برآمدن مذهب اشعری.....
۲۷۸	خواجه و مذهب تشیع.....
۲۸۰	خواجه و کتاب سیاست‌نامه.....
۲۸۲	وزارت در سیاست‌نامه.....
۲۸۴	فرزندان نظام الملك.....
۲۸۵	رواج تقویم جدید ایرانی در دوران ملکشاه.....
۲۸۶	آشفته‌گی اوضاع پس از ملکشاه.....
۲۸۸	تصرف بیت المقدس در سال ۴۹۲ توسط صلیبی‌ها.....
۲۹۱	سلطان سنجر و دیگر سلاطین سلجوقی معاصر وی.....
۲۹۴	دشواری‌های سنجر در خراسان.....
۲۹۵	حمله ترکان غَزّ به خراسان.....
۲۹۹	روابط سلاطین این عهد سلجوقی با خلیفه عباسی.....
۳۰۲	قدرت علویان در دوران سلجوقی.....
۳۰۴	سلاطین سلجوقی در مرکز ایران.....
۳۰۷	● تشکیل دولت اسماعیلیه در ایران.....
۳۰۷	مقدمات.....
۳۰۸	ناصر خسرو نماینده تفکر اسماعیلی در ایران.....
۳۱۰	فعالیت سیاسی اسماعیلیان.....
۳۱۱	تأسیس دولت اسماعیلی در الموت.....
۳۱۳	سیاست ترور.....
۳۱۵	حسن صباح و دیگر مسلمانان.....
۳۱۷	سلجوقیان و اسماعیلیان.....
۳۲۰	دوره دوم دولت اسماعیلی در ایران؛ برپایی قیامت!.....

۳۲۲	حسن نومسلمان و بازگشت به اسلام
۳۲۵	● شهرهای ایران در دوره سلجوقی
۳۲۵	اصفهان در دوره سلجوقی
۳۳۱	طبرستان در دوره سلجوقی
۳۳۲	ری در دوره سلجوقی
۳۳۵	● فرقه‌های اسلامی در دوره سلجوقی
۳۳۵	دانش ملل و نحل
۳۳۷	اهل سنت در دوران سلجوقی
۳۳۹	چهار تفسیر مهم اسلامی در دوره سلجوقی
۳۴۱	مذهب شیعه در دوره سلجوقی
۳۴۴	کشمکشهای مذهبی در ایران سلجوقی
۳۴۸	سنیان و اهل بیت (ع)
۳۵۱	مذهب مردم در شهرهای ایران
۳۵۳	● شاعران برجسته دوره سلجوقی
۳۵۷	اشعار مذهبی
۳۵۹	اشعار ستایشی و سیاسی
۳۶۱	شعر عربی
۳۶۳	● تصوف در دوران سلجوقی
۳۶۴	خواجه عبدالله انصاری پیر هرات
۳۶۵	اندیشه‌های خواجه عبدالله
۳۶۶	آثار خواجه عبدالله انصاری
۳۶۸	محمد غزالی، از فلسفه تا تصوف
۳۶۹	تحول روحی غزالی و آثار آن

روزگار خوارزمشاهیان

۳۷۵	برآمدن دولت خوارزمشاهی
۳۷۷	خوارزمشاهیان رو به توسعه
۳۷۹	خوارزمشاهیان و خلافت عباسی

سخن‌ناشر

بدون تردید آشنایی با تاریخ کشور اسلامی ایران، برای هر فرد ایرانی امری ضروری است. برای زندگی بهتر و آگاهانه‌تر، باید دانست که چه تجربه‌هایی بر ملت ما رفته و چه میراثی برجای مانده است. وجود هر ایرانی، امتداد قوم با سابقه‌ای است که از نظر فرهنگی و تمدنی، هویت مشترکی را در تاریخ داشته و دارد و هر روزی از روزهای تاریخی او، برگ‌ای از همین کتاب هویت اوست که در پهنه تاریخ ورق خورده است. باید دانست که هر ایرانی از میراث گذشته بهره می‌برد و اندوخته‌ای برای آیندگان برجای می‌گذارد.

لازمه داشتن یک نگرش جامع، نگرشی مبتنی بر گذشته از یک سو، همراه با آینده‌نگری از سوی دیگر، خواندن تاریخ پر فراز و نشیب گذشته این کشور و ملت است؛ ملتی با پیشینه درخشان، ملتی با پیروزی‌ها و شکست‌های فراوان، ملتی با فرهنگ غنی و استوار و در نهایت ملتی مقاوم، سخت‌کوش و پرتحرک و امیدوار به آینده.

برگ برگ تاریخ کشور عزیز ما، با هجوم بیگانگان از شرق و غرب همراه بوده و هر بار، فرزندان سرافراز این مرز و بوم کوشیده‌اند در عین حفظ هویت خود، از تجارب سایر امتهای بهره‌گیرند. در این باره، همواره افراط و تفریط‌هایی وجود داشته و سبب شده تا دشواری‌هایی برای هویت و امنیت فکری و اجتماعی مردم ما به وجود آید.

آشنا شدن با تجربه‌هایی که پدران ما درگیر آنها بوده و در لایه‌لای کتابهای تاریخ گزارش شده، می‌تواند راه آینده ما روشن کرده و چنان چراغی پر فروز ما را از درافتادن در اشتباهات نگاه دارد. یک انسان مؤمن آگاه، نبایست تجربه‌ای را تکرار کند و به فرمایش رسول خدا (ص) مؤمن زیرک دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود. بنابر این باید با تجربه‌های پیشین و پیشینیان آشنا شد و با توجه به اصل قرآنی عبرت در چارچوب سنت‌های الهی، نظم نوین زندگی خویش را شکل داد.

کتاب حاضر دفتر دوم مجموعه «تاریخ ایران اسلامی» است که به سفارش کانون اندیشه جوان با انگیزه آگاهی جوانان فرهیخته و تاریخ دوست، نسبت به تاریخ کشور عزیزمان توسط محقق اندیشمند حجة الاسلام والمسلمین جعفریان تألیف و با اهتمام مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر منتشر می‌گردد. در اینجا جا دارد از زحمات فراوان مؤلف ارجمند، مسئولین محترم کانون اندیشه جوان که با پشتیبانی مادی و معنوی خود زمینه نشر این اثر ارزنده را فراهم نمودند، و همچنین دست اندرکاران انتشار این کتاب سپاسگزاری می‌نمایم.

مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

پیش‌گفتار مؤلف

نوشته حاضر، دفتر دوم کتاب تاریخ اسلامی ایران است. در این دفتر، تاریخ ایران را از ظهور طاهریان تا زوال دولت خوارزمشاهی دنبال کرده‌ایم. طبعاً بحث از زوال عباسی، یا به عبارت دیگر، حمله مغول، به دفتر سوم واگذار شده است.

آنچه در درجه نخست در این کتاب مورد توجه بوده، پرداختن به تاریخ سیاسی ایران است. طی این دوران، دولت‌های بزرگ و کوچک فراوانی در بخش‌های مختلف ایران سرکار آمدند. در اینجا کوشیده‌ایم تا با بحث از پیدایش و زوال این دولت‌ها خوانندگان عزیز خود را با سیر تحولات سیاسی ایران آشنا سازیم.

افزون بر آن، آگاهی که جدای از قدرت سلاطین و امیران، چندین نیروی متنفذ دیگر در جامعه ما بوده‌اند که لازم است به آنها نیز پرداخته شود. عالمان، شاعران و نیز مشایخ صوفیه، سه نیروی فعال فرهنگ و سیاست‌اند که با زبان و قلم، بر ذهن و اندیشه و قلب مردم حکومت می‌کردند. نگارش تاریخ ایران، بدون اشاره به آنها، کاری ناقص به شمار می‌آید. در این کتاب کوشیده‌ایم تا گوشه‌ای مختصر از فعالیت این گروه‌ها را نیز مورد توجه قرار دهیم.

در اینجا نیز همچون مقدمه دفتر نخست یادآور می‌شویم که هدف ما تنها مرور بر رویدادها و جریان‌های سیاسی و فکری بوده و به هیچ روی، قصد تفصیل و تحقیق نداشته‌ایم. هدف، آشنا ساختن خواننده با مطالبی بوده که تقریباً، چون و چرایی در آنها وجود نداشته و بیش‌تر آنها بیان اصل رخدادها و طبعاً مورد قبول عامه مورخان است. در این باره، تلاش کرده‌ایم تا از منابع کهن و نیز منابع تازه بهره‌بریم. روشن است که اگر در باره هریک از مباحث مطرح شده در اینجا، کتابی محققانه در دست بوده، از آن کمال استفاده را کرده‌ایم.

رسول جعفریان

نهم اسفندماه ۱۳۷۷

سال روز تولد امام رضا علیه السلام

درآمد بحث: ایران به سوی استقلال

از زمانی که طاهر بن حسین - بنیان‌گذار سلسله طاهری - در سال ۲۰۵ به خراسان آمد و پس از وی، دولت و امارت آن ناحیه میان فرزندان موروثی شد، ایران نخستین کامها را برای رهایی از سلطه خلافت عباسی برداشت. این به معنای استقلال سیاسی کامل نبود؛ چرا که نظریه خلافت برای مسلمانان سنی - که جمعیت غالب آن روز ایران را تشکیل می‌دادند - تنها نظریه پذیرفته شده در مشروعیت حکومت بود. این نظریه پس از سپری شدن قرن اول و دوم، به مرور با حضور امیران و سلاطین مستقل، جای خود را به نظریه خلیفه - سلطان داد.

داستان از این قرار بود که در بسیاری از مناطق، امیران، مستقل از فرمان خلیفه عباسی، به تصرف شهر و منطقه‌ای موفق شده و دولتی تأسیس می‌کردند. پس از آن که دولت خویش را پایدار می‌کردند، خلیفه عباسی آنان را به رسمیت می‌شناخت و با فرستادن خلعت و منشور، آنها را تأیید می‌کرد. با درگذشت امیر، اگر امارت در آن دولت پایدار بود و جانشین مشخصی از فرزندان امیر در گذشته وجود داشت، خلعت و منشور تازه برای امیر جدید فرستاده می‌شد؛ در غیر این صورت، اوضاع نابسامان بود تا امیر جدیدی تعیین شود.

در بیش‌تر موارد، برای هیچ کدام از دو طرف خلیفه و سلطان، گریزگاهی جز تأیید طرف دیگر وجود نداشت؛ البته ممکن بود، تأیید خلیفه به درازا بکشد؛ اما به هر روی، خلیفه چاره‌ای جز تأیید نداشت؛ چرا که ممکن بود امیر شورشی به سوی عراق نیز حرکت کند و خلافت را در معرض تهدید قرار دهد.

از سوی دیگر، امیرانی که به قدرت می‌رسیدند، می‌بایست بر مردمانی حکومت کنند که به اقتضای اعتقاد به تسنن، تنها مشروعیت خلیفه عباسی را قبول داشتند. به همین دلیل، هر اندازه که سرکش بودند، در نهایت نیاز به تأیید خلیفه عباسی داشتند.

وابستگی سلطان به خلیفه، نتایج دیگری هم داشت و آن این بود که می‌بایست برخی از سیاست‌های مذهبی خلفا در ایران پیاده می‌شد. برخی از امیرنشینان، به هر دلیل، با این سیاست‌های مذهبی مخالف بودند و راه و رسم شخصی خود را دنبال می‌کردند. با این همه، ایران، بر مذهب سنت باقی ماند و تنها مناطق محدودی در قرون نخست اسلامی، به مذهب تشیع گروید.

یکی از نتایج روی کار آمدن این دولت‌ها آن بود که به مقدار زیادی آداب و رسوم و زبان محلی برجای ماند. زبان فارسی، گرچه با عربی آمیخته شده بود؛ اما همچنان زبان عمومی مردم ایران بود و در کنار زبان عربی، به آرامی موقعیت خود را حفظ کرد.

امیرنشینان ایرانی، همگی از نژاد پارسی نبودند. طاهر بن حسین، گرچه نژاد ایرانی داشت؛ اما در اصل، از موالی یک قبیله عربی بود و به مقدار زیادی فرهنگی عربی داشت. صفاریان و سامانیان تبار ایرانی داشتند. آل بویه هم از دیلمانی بودند که از اقوام پرسابقه ایران به شمار می‌آیند. پس از آن نوبت به حکومت ترکان رسید که ابتدا غزنویان و سپس سلجوقیان، امیرنشینان ترک ایران شدند.

تاریخ امیرنشینان، در بیش‌تر موارد، به صورت نوعی نهضت ایرانی بر ضد عرب تلقی می‌شود. یک اشکال عمده این تحلیل که تحت تأثیر اندیشه‌های ملی‌گرایی عصر جدید ارائه شده، آن است که مفاهیم جدید و قدیم با یکدیگر خلط شده است. برای نمونه، تعبیر ناسیونالیسم در معنای ملی‌گرایی، مفهومی جدید و برگرفته از فرهنگ غرب است. با این حال، در تحلیل‌های یاد شده، این مفهوم بر امیرنشینان ایرانی تطبیق داده شده است. این در حالی است که آنچه در آن روزگاران اهمیت داشت، نوعی عصیّت محلی بود و اساساً ملی‌گرایی امروزی، چندان ارتباطی با عصیّت محلی مورد نظر که از قضا حب وطن هم به همان معناست، ندارد، بلکه مفهومی جدید و برگرفته از نظام فکری غرب است. بنابراین، باید در نسبت دادن تعبیرهایی مانند نهضت‌های ملی ایرانیان به آن امیرنشینان قدری تأمل کرد.